

## پابند الکترونیک به عنوان شیوه نوین اجرای کیفر حبس؛ از سیاست تقنینی تا قضایی

شهرام ابراهیمی<sup>۱</sup>، حسین سلطانی فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

نظارت الکترونیکی محکومان به عنوان یکی از روش‌های جایگزین حبس سنتی، در سیاست کیفری ایران جایگاه ویژه‌ای یافته است. اگرچه این شیوه، که نخستین بار در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی معرفی شد، به دلیل کمبود زیرساخت‌های اجرایی کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و گسترش تدریجی امکانات، به یکی از اولویت‌های نظام کیفری تبدیل شده است. اجرای سنتی مجازات حبس علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین بر دولت و جامعه، پیامدهای منفی اجتماعی، بهداشتی، اخلاقی و جرم‌شناختی را به دنبال دارد؛ از جمله انزوای اجتماعی زندانیان، گسست خانوادگی و مشکلات بازگشت به جامعه. در راستای کاهش این اثرات و با بهره‌گیری از یافته‌های کیفرشناسی و فناوری‌های نوین، سیاست‌گذاران کیفری با تغییر رویکرد به سمت حبس‌زدایی، استفاده از نظارت الکترونیکی را به عنوان راهکاری مؤثر برای مدیریت زندان و بازاجتماعی کردن محکومان پیشنهاد کرده‌اند. مساله اصلی این پژوهش، ارزیابی ظرفیت‌ها و چالش‌های نظارت الکترونیکی در جایگزینی حبس سنتی و تأثیر آن بر سیاست‌های حبس‌زدایی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این روش با کاهش هزینه‌های دولتی، کاهش خشونت مجازات و تسهیل بازاجتماعی کردن محکومان، ابزاری مؤثر برای مدیریت زندان و اجرای سیاست حبس‌زدایی محسوب می‌شود. با این حال، موفقیت کامل این رویکرد مستلزم توسعه زیرساخت‌های اجرایی، آموزش قضات و سایر نهادهای مرتبط و تصویب قوانین جامع‌تر برای نظارت الکترونیکی است.

**واژگان کلیدی:** پابند الکترونیک، فناوری‌های نوین، حبس، سیاست جنایی.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

shahram.ebrahimi@gmail.com

۲. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه، (نویسنده مسئول)  
hsoltanifard@yahoo.com

## درآمد

زندانیان محیطی همراه با تشویش برای زندانی و موجبی برای پریشان‌خاطری خانواده و نزدیکان اوست. حال چنانچه این محیط با افزایش جمعیت کیفری نامتعارف همراه شود، از انجام دو مأموریت اصلی خود، یعنی نگهداری امن زندانیان جهت سلب آزادی آمد و شد آنان از یک سو و بازپس‌سازی اجتماعی آنان از سوی دیگر، ناتوان می‌گردد. به همین دلیل، دولت‌ها برای کاستن از آسیب ترکش‌های این محیط نسبت به کرامت انسانی زندانی و افزایش اثربخشی کارکرد کیفر؛ به گونه‌ای که مجازات هم برای بزه‌کار و بزه‌دیده و هم برای جامعه دارای مفهوم باشد و اطمینان جامعه جلب شود، از مدت‌ها پیش به دنبال تغییر دیدگاه حاکم بر زندان بوده‌اند (بولک، ۱۳۸۷: ۴؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

از دهه هفتاد میلادی با تغییرگفتمان جهانی حاکم بر محیط زندان، اصلاحاتی به منظور تعدیل و ملایم‌سازی شرایط محل نگهداری محکومان به سلب آزادی، مانند پایان قاعده سکوت تحکمی، آزادی مکاتبه با محیط بیرون، حذف بندهای تحت کنترل شدید و ایجاد راهروهای عمومی بدون تفکیک بین زندانیان، صورت پذیرفت، اما هم‌زمان زندان‌ها با افزایش بی‌وقفه جمعیت کیفری مواجه شدند. متولیان سیاست جنایی در مواجهه با تورم جمعیت زندان، دو دسته راهکار پیشنهاد دادند؛ افزایش ظرفیت زندان و ساخت زندان‌های جدید و توسل به جایگزین‌های زندان که به زندانی اجازه دهد تمام یا بخشی از مدت حبس خود را در محیط خارج از زندان سپری کند.

نگهداری تحت مراقبت سامانه‌های الکترونیکی<sup>۱</sup> یکی از این جایگزین‌ها است که نسبت به برخی از جرائم و نیز دسته‌ای از محکومان جرائم مهم‌تر که بخشی از

۱. منظور یک ابزار الکترونیکی است که با استفاده از آن می‌توان از راه دور، حضور محکوم را در یک مکان معین کنترل کرد. بر اساس بند ب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی این‌سازکار عبارت است از: نظارت و کنترل فرد تحت مراقبت به صورت مستمر یا دوره‌ای، با استفاده از ابزار و تجهیزات الکترونیکی. نسل دوم این ابزار اجازه می‌دهد جابه‌جایی محکوم در زمان واقعی را دنبال کرد و موقعیتی که وی در آن قرار دارد را تشخیص داد. نسل جدید که از سال ۲۰۲۴ در برخی از کشورها مانند بلژیک به کار گرفته می‌شود، نزدیک شدن به محل حضور بزه‌دیده و نیز مصرف الکل و یا مواد مخدر را هشدار خواهد داد. بدین ترتیب، مسئولیت رعایت شرایط را به خود زندانی واگذار کرده است. رونق این فناوری از انتقال یکی از وظایف انحصاری دولت یعنی اجرای کیفر به بخش خصوصی حکایت می‌کند؛ انتقالی که بر کارکرد کیفر نیز تأثیر خواهد گذاشت.

مدت حبس خود را سپری کرده اند، قابلیت اعمال دارد. این سازکار نزدیک به نیم قرن پیش در ایالات متحده آمریکا اجرا شد. در آن زمان، این کشور با انفجار جمعیت زندان مواجه بود؛ انفجاری که نه تنها دامن مؤسسه‌های زندان را گرفت، بلکه محیط خارج از زندان را نیز متأثر ساخت.<sup>۱</sup> به همین دلیل تدبیر نگهداری تحت سامانه‌های الکترونیکی یک راه حل ایده‌آل به نظر رسید؛ زیرا نصب و راه‌اندازی آن آسان بود و هم کم هزینه‌تر.<sup>۲</sup> این تدبیر که اجازه می‌داد مراقبتی مستمر از راه دور بر زندانی انجام شود به دو دغدغه پاسخ می‌داد؛ یکی کاستن از فشار غیر قابل تحمل بر مؤسسه‌های زندان؛ و دیگری آزادی زودهنگام برخی از مجرمان یا اجتناب از اجرای حبس و نظارت مستمر بر این دسته در محیط باز.

نگهداری تحت مراقبت سامانه‌های الکترونیکی به سرعت در سطح اروپا گسترش یافته و با استقبال مدیران زندان مواجه شد؛<sup>۳</sup> هرچند رونق آن به لحاظ تنوع برنامه‌های مورد استفاده، گستره جغرافیایی به‌کارگیری، شیوه مدیریت آن یعنی سازماندهی متمرکز، منطقه‌ای، دولتی یا با مباشرت بخش خصوصی، یکنواخت نبوده و

۱. این امر تا حدود زیادی نتیجه برخی قوانین کیفری از جمله قانون سه ضربه است که از بازی بیسبال الهام گرفته است. «هوارد بیگر» که یکی از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی تعامل‌گرا در آمریکاست در مصاحبه‌ای در کتاب نقد عقل جرم‌شناختی بیان می‌دارد اگر چه این سیاست غیر عقلانی به لحاظ جرم‌شناختی کارآمد نبود، اما سودآور بود؛ به طوری که شهرهای کوچک برای ساختن یک زندان در مجاورت خود، مسابقه می‌گذاشتند؛ زیرا معتقد بودند با تعطیلی کارخانه‌ها شهروندان بیکار شدند و تأسیس یک زندان موجب رونق کسب و کار شرکت‌های سازنده و رشد اشتغال می‌گردد. وی اضافه می‌کند سندیکای مراقبان زندان از قدرت بالایی برخوردارند. توضیح این‌که وقتی مدت زمان حبس کاهش می‌یابد از تعداد نیروی مراقب نیز کاسته می‌شود و در نهایت اشتغال کم می‌شود؛ لذا چون در بیشتر شهرها زندان وجود دارد، تغییر سیاست‌های ناظر به آن می‌تواند در نتیجه انتخابات پارلمان موثر واقع شود. این تفکر خود یکی از علل افزایش جرائم و به تبع آن، افزایش جمعیت کیفری است. به همین دلیل مدتی است حزب چپ به همراه دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی و برخی زیرشاخه‌های حزب راست، نظام عدالت کیفری دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آمریکا را به دلیل سیاست حبس انبوه نقد می‌کنند. آثار این انتقادات امروزه در حال بروز است؛ به طوری که جمعیت زندان‌ها در این کشور با کاهش بیست و پنج درصدی به پایین‌ترین رقم از سال ۱۹۹۰ رسیده است. این کاهش بعد از آن صورت گرفت که ایالات متحده آمریکا قبول کرد زندان یا بی‌فایده بوده و یا حکم به زندان، ناعادلانه صادر شده است (Amicelle & others, 2015: 36).

۲. ناگفته پیداست ابعاد اقتصادی موضوع را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. به عنوان مثال، هزینه یک روز نگهداری یک زندانی ده برابر هزینه یک روز پابند الکترونیک است. در این خصوص، بنگرید به: Robert, A. G. (2020). La peine de détention à domicile sous surveillance électronique: une fausse bonne idée?. RSC, 3(3), 577-588.

۳. در خصوص استفاده از فناوری‌های نوین در اجرای کیفر حبس، بنگرید به: حکم‌اللهی، ۱۳۹۲.

فراز و نشیب‌هایی داشته است. به طور کلی میزان و سطح استفاده از پابند الکترونیکی در کشورهای مختلف را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: مرحله مطالعه، مرحله اجرای آزمایشی، مرحله تعمیم در کل سرزمین و در نهایت سطح بلوغ استفاده از این سامانه‌ها که به صورت هدفمند جمعیت خاصی را شامل می‌شود.

این مقاله نخست خاستگاه نگهداری تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در حقوق ایران و نیز دامنه شمول و شرایط قانونی اعطای آن را تحلیل می‌کند و پس از بررسی ضمانت اجرای نقض دستورات و موقعیت قاضی اجرای احکام و امکان اعمال این سازکار در خصوص حبس بدل از جزای نقدی و نیز محکومان مالی، جایگاه این سازکار را در نظام عدالت کیفری ایران ترسیم و تبیین می‌کند.

### ۱. خاستگاه

قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ طی ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> قرار دادن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در جرائم تعزیری از درجه پنج تا هشت را پیش‌بینی و سپس هفت سال بعد، در چارچوب ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری،<sup>۲</sup> دامنه این سازکار را نسبت به حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار به شرط گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال توسعه داد. بدین ترتیب می‌توان از یک‌سو، نگهداری تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی موضوع ماده ۶۲ به نحوی که ابتدا در قانون مجازات ۱۳۹۲ پیش‌بینی شد و دادگاه می‌توانست محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت قرار دهد را به عنوان یک کیفر جایگزین حبس<sup>۳</sup> در نظر گرفت و از سوی دیگر، قانون کاهش مجازات

۱. ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد. تبصره- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد».

۲. ماده ۹ قانون مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹: تبصره ماده (۶۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با عنوان تبصره (۱) ابقاء و دو تبصره به عنوان تبصره‌های (۲) و (۳) به شرح زیر به آن الحاق می‌شود: تبصره ۲- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است؛ تبصره ۳- قوه قضاییه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند.

۳. مشابه این حکم در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص نوجوانان وجود دارد.

حبس تعزیری که این سازکار را صرفاً در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس در مجازات‌های سنگین تر قابل اعمال دانسته است را به عنوان یکی از شیوه‌های اجرای مجازات سالب آزادی تلقی کرد.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد قانون‌گذار این سازکار را از حقوق تطبیقی به‌ویژه فرانسه اقتباس کرده است. در حقوق فرانسه، ژیلبرت بن مزون نماینده حزب سوسیالیست که مأمور تهیه گزارشی در خصوص مدرن‌سازی زندان شده بود، به ضرورت استفاده از این سازکار در مرحله پیش‌سازیدگی به عنوان جایگزین بازداشت موقت و پس‌سازیدگی در قالب جایگزین حبس‌های کوتاه‌مدت و تعدیل حبس‌های طولانی‌مدت پرداخت. این سازکار پس از آن در قوانین مختلف پیش‌بینی و تکمیل شد و سپس در شش مرحله مورد اصلاح قرار گرفت تا این که در سال ۲۰۱۹، قانون‌گذار آن را به صورت کیفر مستقل در فهرست مجازات جنحه‌ای جای داد و امروزه در تمام فرایند کیفری قابل اجراست. گفتنی است در حقوق فرانسه تا قبل از سال ۲۰۱۹ چند شیوه نگهداری تحت مراقبت سامانه‌های الکترونیکی وجود داشت: نخست، قرار دادن تحت مراقبت الکترونیکی ثابت که در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۷ به عنوان سازکار تعدیل‌کننده حبس پیش‌بینی شد و طبق آن فرد زندانی ادامه حبس را بر اساس شرایطی که قاضی اجرای مجازات‌ها<sup>۲</sup> تعیین می‌نمود در منزل سپری

دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای الف تا پ این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

۱. لازم به یادآوری است که «دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه دار» مصوب ۱۳۹۷/۴/۲۶ که حاصل تفاهم دادستانی کل کشور و فراجا بوده است، موضوعی متفاوت از موضوع نوشتار حاضر است که در مسیری فراقانونی پیش‌بینی شده و پرداختن به آن نیازمند نگارش مقاله‌ای جداگانه است که امید است در نوشتار آتی مورد بررسی قرار گیرد.

۲. در فرانسه، در سال ۱۹۵۸ در راستای اندیشه فردی‌سازی کیفر، قاضی اجرای مجازات‌ها پیش‌بینی شد که وظیفه دارد محکوم را داخل و خارج از زندان رصد کند. در بلژیک، «قاضی اجرای مجازات» نسبت به حبس تا سه سال و «دادگاه اجرای مجازات» در ارتباط با حبس بیش از سه سال صلاحیت رسیدگی دارد. این دادگاه با حضور سه عضو تشکیل می‌شود. یک قاضی حرفه‌ای و دو مشاور که یکی از آن‌ها متخصص در حوزه کیفرشناسی است و دیگری در حوزه بازپذیرسازی اجتماعی. تصمیم این دادگاه متعاقب یک جلسه توافقی اتخاذ می‌گردد که معمولاً در زندان و با حضور رئیس زندان تشکیل می‌شود. این دادگاه در صدور رای به این پنج محور توجه می‌کند: نخست، دورنمای بازاجتماعی شدن؛ دوم، احتمال ارتكاب جرم جدید؛ سوم، ریسک برای بزه‌دیده؛ چهارم، نوع رفتار نسبت به بزه‌دیده؛ و پنجم، میزان تلاش برای جبران خسارت. بدین ترتیب این محکمه یک دادگاه بین‌رشته‌ای است که جهت‌گیری اصلی آن بازاجتماعی شدن است. به همین دلیل علاوه بر یک

می‌کرد؛ دوم، قرار دادن تحت نظارت الکترونیکی سیار که در سال ۲۰۰۵ نسبت به مرتکبان تکرار جرم پیش‌بینی شد و سپس به مراقبت‌های تأمینی نیز تعمیم یافت. لذا این تدبیر صرفاً یک جایگزین حبس نیست و می‌تواند در چارچوب یک مراقبت اجتماعی قضایی پس از اتمام مدت حبس شروع شود. در واقع این تدبیر نسبت به بزرگسالان محکوم به حبس هفت سال و بالاتر که پزشک پس از اتمام حبس، استمرار خطرناکی وی را احراز کند و توسل به این اقدام را اجتناب‌ناپذیر بداند، اعمال می‌شد؛ سوم، حبس در منزل تحت نظارت الکترونیکی که قانون برنامه‌ریزی و اصلاحات دادگستری ۲۰۲۲-۲۰۱۸<sup>۱</sup> آن را ایجاد و جایگزین نوع اول نمود.<sup>۲</sup>

در ادبیات جرم‌شناسی و عدالت کیفری، بیشتر نوشتگان منتشر شده در خصوص چگونگی کیفردهی، ناظر به شرایط قانونی تعیین کیفر اولیه توسط دادگاه بدوی است، اما بیشتر نظام‌های حقوقی، نوعی از سیستم تعدیل کیفر پس از تعیین کیفر اولیه و تحمل بخشی از آن را پذیرفته‌اند که بر اساس آن قاضی می‌تواند با توجه به تحولات رفتاری محکوم، مجازات صادره را دستکاری و تعدیل کند.<sup>۳</sup> در فرض نخست، نگاه قاضی نسبت به گذشته و عمل ارتكابی محکوم و در حالت دوم متمرکز بر آینده مرتکب و به دنبال بازپذیرسازی اجتماعی اوست. در حقوق فرانسه ابتدا مدل دوم به اجرا درآمد. در این مدل، ابتکار عمل در دست قاضی اجرای احکام و دادستان بود که بر اساس گزارش اداره زندان، تقاضای محکوم و رضایت کسانی که با وی زندگی می‌کردند و نیز بر اساس یک تحقیق قبلی از محل اقامت وی جهت احراز شرایط و بررسی استحقاق، حبس وی را به نگهداری تحت نظارت سامانه‌های

---

حقوق‌دان، یک جرم‌شناس و جامعه‌شناس-روانشناس نیز حضور دارد. یعنی تخصص‌هایی که معمولاً قاضی فاقد آن است (Nederlandt, 2021: 33).

1. La loi de programmation 2018-2022 et de réforme pour la justice.

۲. بر اساس ماده ۱-۴-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه، زمانی که مجازات جرم ارتكابی حبس باشد دادگاه می‌تواند به جای زندان، حکم به حبس خانگی تحت مراقبت الکترونیکی، برای مدت پانزده روز تا شش ماه بدون این‌که از مدت حبس تجاوز کند صادر نماید. در این صورت محکوم مکلف است از منزل یا هر مکان دیگری که دادگاه تعیین کرده است خارج نشود و ابزار کنترل و راست‌آزمایی رعایت این تعهدات را همراه خود داشته باشد. وی مجاز نیست در این مدت از محل تعیین شده خارج شود؛ مگر برای انجام یک فعالیت حرفه‌ای، گذراندن یک دوره آموزشی، کارآموزی، درمان بیماری، جست‌وجوی شغل، مشارکت در امور زندگی و خانوادگی و یا هر برنامه بازپذیرسازی.

۳. در حقوق انگلیس از دو اصطلاح Front Door Sentencing و Backdoor Sentencing استفاده می‌کنند.

الکترونیکی تبدیل می‌نمود. در حقوق ایران، به نظر می‌رسد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیشتر از مدل نخست الهام گرفته بود تا این که قانون کاهش حبس تعزیری به مدل دوم روی آورد.

## ۲. دامنه شمول<sup>۱</sup>

بر اساس ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، دادگاه در جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت، می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی،<sup>۲</sup> محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد. مطابق تبصره همین ماده، دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد. قانون‌گذار هفت سال بعد، در چارچوب ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دامنه این سازکار را نسبت به حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار به شرط گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال توسعه داد. با توجه به این که بر اساس ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی<sup>۳</sup> در جرائم تعزیری درجه هشت، دادگاه باید به جایگزین حبس حکم دهد، دایره استفاده از این تأسیس عملاً به درجات دو تا هفت محدود می‌شود. از طرفی، ماده ۶۲ به جرائم تعزیری درجه پنج تا هشت یعنی مجازات‌های قانونی اشاره کرده است نه مجازات قضایی و این جرائم به صورت مطلق و بدون رعایت حد نصاب مشمول این تأسیس می‌شوند. در رویه قضایی، در مواردی که فردی جرائم

۱. بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ افرادی که ممکن است حسب تصمیم مرجع ذی‌صلاح، تحت مراقبت الکترونیکی قرار گیرند شامل موارد زیر می‌باشند: ۱- متهمان مشمول بند ج ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری؛ ۲- محکومان مشمول ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی؛ ۳- زندانیان تحت نظام نیمه‌آزادی و شاغل در مراکز حرفه آموزشی؛ ۴- افرادی که به موجب قانون یا تصمیم مرجع قضایی تحت مراقبت بوده یا از ورود و خروج از محدوده معینی منع شده‌اند؛ از قبیل مراقبت‌های مذکور در مواد ۴۲ و ۴۳ قانون مجازات اسلامی؛ ۵- سایر موارد پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات.

۲. منظور از فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، این است که در زمان صدور حکم بر اساس ماده ۶۲ محکوم نباید از حقوق اجتماعی بر اساس مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی محروم باشد؛ لذا در فرضی که اساساً محکومیت تعیین شده مؤثر نباشد یا این که مدت محرومیت از حقوق اجتماعی تمام شده باشد (حصول اعاده حیثیت) یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، امکان اعمال این نهاد ارفاقی با وجود سایر شرایط وجود دارد.

۳. ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی: مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

تعزیری درجه چهار و بالاتر مرتکب شده لیکن دادگاه با اعمال مقررات تخفیف حبس درجه پنج تا هشت برای وی تعیین می‌نماید؛ این محکومیت نه شامل صدر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی می‌شود و نه شامل تبصره ۲ الحاقی به این ماده؛ لذا در این وضعیت، امکان اعمال ماده ۶۲ و صدور حکم به آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی وجود ندارد، لیکن با توجه به مفاد تبصره ۲ الحاقی و با عنایت به این که در حبس‌های درجه دو تا چهار پس از سپری شدن یک‌چهارم از محکومیت امکان اعمال این تأسیس وجود دارد، به طریق اولی در محکومیت درجه پنج تا هشت (ولو این که جرم ارتكابی از درجات بالاتر باشد) بدون نیاز به سپری شدن حد نصاب، می‌توان این نهاد ارفاقی را اعمال و در این خصوص حکم صادر نمود. حتی در مورد فردی که جرم تعزیری درجه یک مرتکب شده باشد و با اعمال تخفیف به حبس درجه دو تا چهار محکوم شود نیز با سپری شدن یک‌چهارم از مجازات می‌توان این نهاد را مورد حکم قرار داد.

گفتنی است تبصره ماده ۴۵ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ نیز مانع استفاده از این سازکار نیست. مطابق این تبصره، در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس قانونی بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود جز در مورد مصادیق تبصره ماده ۳۸، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو رهبری مذکور در بند ۱۱ اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند نخواهد شد. شیوه نگارش این تبصره که البته خلاف اصل کیفی بودن<sup>۱</sup> قوانین کیفری است موجب شده است برخی در امکان استفاده از پابند الکترونیک نسبت به این دسته از مجرمان تردید کنند. باید خاطر نشان ساخت پابند الکترونیک یا آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی نهاد ارفاقی نیست، بلکه شیوه نوین اجرای حبس است و مشمول محدودیت‌های مذکور در این تبصره نمی‌شود و از

۱. یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت از حقوق شهروندان در برابر تعدیات احتمالی مجریان قانون، اصل کیفی بودن قوانین کیفری است. این اصل بدین معناست که چون قانون کیفری جرم‌انگار است، حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌کند. لذا قانون کیفری باید کیفی باشد. از جمله مصادیق اصل کیفیت عبارت است از صریح و منجز بودن قوانین کیفری و عدم وجود ابهام در آن‌ها و درج آثاری که قانون کیفری برای فرد به دنبال دارد. در مورد اصل قانونی بودن، بنگرید به: نجفی ابرنآبادی، ۱۴۰۱.

قلمرو مصادیق نهادهای ارفاقی که در این تبصره اعمال آن‌ها ممنوع شده، خارج می‌باشد. آنچه به صراحت در این تبصره ممنوع شده، حکم به آزادی مشروط است و در برخی حالات نیز تعلیق اجرای مجازات با محدودیت مواجه شده و مدت (دوره) تعلیق نیز بیشتر از جرائم عادی در نظر گرفته شده است. افزون بر این، در موارد شک، سکوت و ابهام باید مطابق با اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی رفتار نمود تا فراتر از آنچه قانون‌گذار اراده کرده است تصمیم گرفته نشود و صرفاً به منطوق صریح قانون پای‌بند بود. این تفسیر با اصل قانونی بودن جرم و مجازات نیز سازگارتر است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه به درستی طی نظریه شماره ۷/۹۹/۱۳۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۶<sup>۱</sup> همین استدلال را تأیید نموده است، اما گاهی اوقات اعمال این سازکار در فرض وجود محکومیت‌های متعدد نیز با ابهام روبه‌رو می‌شود. بدیهی است در فرض وجود محکومیت‌های متعدد، چنانچه عمل فرد مشمول مقررات تعدد جرم باشد باید ابتدا نسبت به تجمیع احکام و صدور حکم واحد اقدام نمود و سپس در خصوص اعمال ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی تصمیم‌گیری نمود، اما در فرضی که محکومیت‌های متعدد باید به موقع اجرا گذاشته شوند، مانند تکرار جرم یا حالاتی که وضعیت مرتکب نه مشمول مقررات تعدد جرم است و نه تکرار؛ اعمال ماده ۶۲ در خصوص یک محکومیت، به سایر محکومیت‌های حبس قابل تسری نمی‌باشد.<sup>۲</sup> حال باید دید در مواردی که بخشی از حکم حبس تعلیق و

۱. «باتوجه به این‌که اجرای مجازات حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی با هدف مقنن از وضع تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر دایر بر حتمیت اجرای مجازات‌ها منافات ندارد، بنابراین اعمال نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی که ناظر به شیوه اجرای مجازات حبس است از قلمرو مصادیق نهادهای ارفاقی موضوع تبصره ماده ۴۵ قانون پیش‌گفته خارج است».

۲. نظریه اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۱۴۰۰/۱۵۹۶ مورخ ۱۴۰۱/۲/۲۶: قرار دادن محکوم به حبس تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در محدوده مکانی مشخص، طبق ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، با وجود شرایط مقرر در این ماده و با رضایت محکوم به حبس در هر مورد با دادگاه صادر کننده حکم حبس است؛ بنابراین چنانچه فردی چندین محکومیت به حبس قابل اجرا داشته باشد قرار دادن وی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در هر محکومیت به حبس، در صورتی است که دادگاه صادر کننده این محکومیت ضمن صدور حکم به حبس یا بر اساس ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نسبت به اعمال ماده ۶۲ قانون یادشده اقدام کرده باشد؛ لذا اتخاذ چنین تصمیمی و اعمال ماده ۶۲ مذکور در خصوص یک محکومیت به حبس قابل تسری به سایر محکومیت‌های حبس وی نیست.

بخشی قابل اجراست (غیر تعلیقی) یا در مواردی که اجرای بخشی از محکومیت حبس مشمول عفو می‌گردد، ملاک محاسبه برای رعایت یا عدم رعایت حد نصاب در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر چیست؟ در این خصوص دو دیدگاه در رویه قضایی وجود دارد. مطابق دیدگاه نخست، براساس بند ث الحاقی به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجرا شمرده شده‌اند. همچنین رأی شماره ۸۲۶ مورخ ۱۴۰۱/۸/۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور حتی در خصوص اعمال ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، مبنای محاسبه سابقه محکومیت قطعی مذکور در بند پ ماده یادشده را محکومیت قابل اجرا پس از اعمال نهادهای ارفاقی از جمله عفو یا تخفیف مجازات از سوی مقام رهبری دانسته است. با توجه به این‌که در نظر گرفتن صرف مجازات غیر معلق یا میزان حبس باقی‌مانده پس از اعمال عفو، با تفسیر مضیق قوانین و هدف قانون‌گذار انطباق بیشتری دارد، این دسته مبنای محاسبه را محکومیت قابل اجرا می‌دانند. عده‌ای دیگر از قضات با مبنا قرار دادن نظریه شماره ۷/۱۴۰۱/۴۳ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، ملاک را کل مجازات مقرر در حکم می‌دانند. این دیدگاه قابل دفاع به نظر نمی‌رسد؛ یا در جایی که دادگاه هنگام تعیین مجازات صرفاً بخشی از حبسی که برای محکوم در نظر گرفته را مستحق اجراء در قالب نظارت الکترونیک اعلام می‌دارد، کدام یک از دو نوع (زندانی بسته و نظارت الکترونیکی) باید بدو اجراء شود؟ اگرچه ممکن است تصور شود بتوان با اخذ وحدت ملاک از شیوه اجرای نظارت الکترونیک در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر، بدو محکوم مجازات حبس در زندان خود را گذرانده و سپس از مزیت نظارت الکترونیک بهره‌مند گردد، اما چون نظارت الکترونیک نوعی از اجرای مجازات است و محکوم با شروع اجرای حکم و پس از گذران مواعد مختلف می‌تواند از نهادهای ارفاقی و تسهیلات دیگری استفاده نماید که برخی حتی ممکن است منجر به تعلیق یا انتفاء اجرای مابقی مجازات وی گردد، اجرای فوری و مقدم نظارت الکترونیک ضروری است.

### ۳. شرایط

قانون‌گذار در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی به جای تعیین دقیق حد و مرز و مشخص نمودن شرایط استفاده از این سازکار، با ذکر عبارت «دادگاه می‌تواند در

صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد»، به نوعی از مسئولیت خود در این زمینه فرار کرده و به فن ارجاع یا احاله متوسل شده است؛ فنی که اصل «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» را متزلزل و مخدوش می‌کند. گفتنی است احاله به دو شکل انجام می‌شود: نخست، در متن قانون، مقنن یک قاعده را وضع می‌کند، اما بر خلاف رویه معمول، مجازات آن جرم و قاعده را در همان ماده، بلافاصله پیش‌بینی نمی‌کند و بعد از احصاء جرائم دیگر در پایان متن، ماده مستقلی را به مجازات اختصاص می‌دهد. این یک قاعده خاص است و بدان معناست که اهمیت قواعد کیفری و جرائم پیش‌بینی شده قبلی از نظر مقنن یکسان است. بنا بر اصل قانونی بودن، مجازات در کنار جرم باید مطرح شود و این گونه طرح کردن جرم و مجازات یک روش احاله‌ای برای تعیین مجازات بوده و محل ایراد است؛ روش دوم پیچیده‌تر است؛ بدین ترتیب که در یک متن قانونی، مقنن جرم را تعریف و پیش‌بینی کرده، ولی مجازات و شیوه اجرای آن را در همان ماده تعریف نمی‌کند، بلکه ذیل آن مواد، به ذکر جمله‌ای مانند «مجازات این جرائم، مجازات کلاهبرداری است» یا «مطابق شرایط تعویق مراقبتی» و نظایر آن بسنده می‌کند و قاضی برای مطالعه مجازات، ناچار به مراجعه و مطالعه جرم کلاهبرداری یا شرایط تعویق مراقبتی است. ایراد در جایی شدیدتر است که این دو جرم، از نظر ماهیت ارتباط قابل توجیهی با هم نداشته باشند.

حال منظور از شرایط تعویق مراقبتی چیست؟<sup>۱</sup> بهتر این بود که قانون‌گذار از عبارت شرایط تعویق به صورت مطلق استفاده می‌کرد؛ چرا که شرایط عمومی تعویق در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی آمده است. وجه تمایز تعویق ساده و مراقبتی، امکان تعیین «تدابیر» و «دستورات» از سوی دادگاه است که هر کدام اصطلاحی جداگانه و دارای مفهومی مستقل است. در همین راستا، اداره کل حقوقی قوه قضاییه

۱. ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی: «در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف- وجود جهات تخفیف؛ ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب؛ پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر».

طی نظریه ۷/۱۱/۱۹۱۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ اعلام داشته، منظور همان شرایط مقرر در تعویق مراقبتی مذکور در ماده ۴۱ و بند ب آن است.

توسل به شیوه احاله در قانون نویسی به ابهامات متعددی دامن زده است. در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی صدور حکم و اجرای مجازات در مورد برخی جرائم و شروع به آن‌ها قابل تعویق و تعلیق نیست. حال آیا این استثنائات در مورد ماده ۶۲ همان قانون نیز اعمال می‌شود؟ زیرا ماده ۶۲ از شرایط تعویق مراقبتی سخن به میان آورده است. به عبارت دیگر آیا امکان اعمال تأسیس ماده ۶۲ در خصوص جرائم مذکور در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی نیز وجود دارد؟ در این خصوص در رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس نظر نخست، ماده ۶۲ و تبصره ۲ آن، به جز حبس درجه یک، سایر حبس‌ها را با رعایت حد نصاب شامل می‌گردد و آنچه در صدر ماده ۶۲ قید گردیده است، صرفاً دارا بودن شرایط عمومی تعویق است. در نتیجه جرائم مذکور در ماده ۴۷ نیز با رعایت سایر شرایط مشمول تأسیس ماده ۶۲ می‌شوند و این جرائم صرفاً قابل تعلیق یا تعویق نیستند و مجازات تعیین شده در مورد مرتکب در هر صورت باید اجرا شود. آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی نیز یک روش نوین برای اجرای حبس است. در واقع حبس در چارچوب نظارت سامانه‌های الکترونیکی به اجرا در می‌آید؛ برخلاف تعویق و یا تعلیق که سلب آزادی به مرحله اجرا نمی‌رسد. همچنین تأسیس ماده ۶۲ نهادی جدید است و به‌عکس تعلیق یا تعویق یا آزادی مشروط، ارتکاب جرم جدید از علل و موجبات محرومیت از این نهاد نمی‌باشد. در اعمال این تأسیس باید بیشتر به شرایط محکوم و جرم ارتكابی و

۱. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه: ۱- مطابق ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شرایط مقرر برای برخورداری محکوم به حبس از نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی همان شرایط مقرر در تعویق مراقبتی مذکور در مواد ۴۰ و بند ب ماده ۴۱ این قانون است و موافقت دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری جزء آن شرایط نیست و ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز بر لزوم موافقت دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری جهت اعمال نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی دلالت ندارد؛ ۲- با عنایت به منفی بودن پاسخ سؤال اول، پاسخ سؤال دوم سالبه به انتفاء موضوع است؛ ۳- با عنایت به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تشخیص وجود و تحقق یا عدم تحقق شرایط مقرر برای برخورداری محکوم به حبس از نظام آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی با دادگاه است؛ بنابراین دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری موظف است تقاضای محکوم را جهت برخورداری از نظام موصوف به دادگاه ارسال کند؛ مضافاً این‌که دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند نظر خود را به دادگاه ارسال کند.

حالت خطرناک فرد توجه شود. تفسیر به نفع محکوم نیز اقتضای پذیرش این نظر را دارد. قانون‌گذار در ماده ۴۷ در مقام بیان بوده لیکن به ممنوعیت اعمال ماده ۶۲ در خصوص این جرائم اشاره نکرده است. بسیاری از مصادیق جرائم درجه دو تا چهار که مشمول پابند می‌باشد، شدت و خطر بیشتری دارند، ولی قانون‌گذار برای اعمال ماده ۶۲، محدودیتی برای آن‌ها قائل نشده است.

طرفداران نظر دوم معتقدند قانون‌گذار با «حکمت» هر سه واژه «شرایط»، «تعویق» و «مراقبتی» را در ماده ۶۲ به کار برده است و هدف او صرفاً اشاره به تعهد مرتکب (بند ب ماده ۴۱) یا صرفاً شرایط مذکور در ماده ۴۰ نبوده است. وجود جمیع شرایط و فقدان تمام موانع برای این‌که فردی بتواند از تعویق مراقبتی استفاده کند مورد نظر قانون‌گذار بوده است. این دسته معتقدند قانون‌گذار در متن ماده ۶۲ بعد از وجود شرایط تعویق مراقبتی، می‌توانست به «عدم وجود موانع» تصریح کند. در پاسخ می‌توان گفت که لفظ شرایط در متن ماده ۴۰، بند ب ماده ۴۱، ماده ۴۶ و همچنین ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی اعم از وجود شرایط و فقدان موانع است. شاهد مثال این ادعا هم تصریح به فقدان سابقه مؤثر یا غائب نبودن متهم است. در ماده ۴۰ یکی از شرایط، نداشتن سابقه است؛ پس حکم شرایط در این چهار مقررۀ متصل به هم، می‌تواند مشمول عدم وجود موانع هم باشد. با این استدلال می‌توان گفت سابقه مؤثر، غایب بودن و ممنوعیت ماده ۴۷ جزء موانع می‌باشند. بدین ترتیب در پاسخ به گروه اول، این اعتقاد وجود دارد که قانون‌گذار در ماده ۴۷ در مقام بیان نمی‌باشد و به بسیاری از مصادیق دیگر مثل شمول یا عدم شمول مرور زمان اشاره‌ای ننموده و ماده ۴۷ در مقام بیان نسبت به کل نهادها و تأسیسات ارفاقی نبوده، بلکه در مقام بیان نسبت به ممنوعیت تعلیق و تعویق می‌باشد و نمی‌توان از عدم بیان، چنین مفهومی استنتاج کرد. این دیدگاه با توجه به دلایل پیش‌گفته قابل دفاع به نظر نمی‌رسد.

سوال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا اعمال ماده ۶۲ در خصوص پابند بعد از صدور حکم قطعی، منوط به معرفی محکوم و حضور وی در زندان می‌باشد. در این خصوص دو دیدگاه بین قضات وجود دارد. عده‌ای بر این باورند که پس از صدور حکم قطعی، دادگاه در صورتی می‌تواند حکم به آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی صادر کند که بر اساس ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی

کیفری<sup>۱</sup>، محکوم به زندان معرفی شده باشد و شورای طبقه‌بندی زندان<sup>۲</sup> با درخواست وی موافقت و واحد مددکاری اجتماعی نیز اعمال این نهاد را برای محکوم مناسب بداند و آن را پیشنهاد کند. قائلان به این نظر معتقدند در صورتی که دادگاه قصد استفاده از این تأسیس بدون معرفی محکوم به زندان را داشت، در مقام صدور حکم این کار را انجام می‌داد؛ لذا در فرض قطعی شدن حکم حبس لازم الاجرا، بدون معرفی محکوم به زندان و بدون رعایت تشریفات مذکور در ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، در عمل اتفاق جدیدی رخ نداده و شرایط جدیدی حادث نشده است تا دادگاه بتواند از این تأسیس استفاده کند؛ بنابراین قاضی اجرای احکام ملزم است محکوم را برای تحمل حبس به زندان معرفی تا مجازات حبس شروع به اجرا و ترتیبات مقرر در ماده ۵۵۳ رعایت شود. اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز طی نظریات متعدد<sup>۳</sup> اعلام داشته است چنانچه دادگاه حین صدور حکم، نسبت به اعمال مقررات ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی اقدام نکند، با توجه به اصل قانون‌مندی آیین دادرسی کیفری موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار دادن محکوم تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی بعد از صدور حکم قطعی، نیازمند رعایت تشریفات مقرر در ماده ۵۵۳ است و اعمال مقررات این ماده منوط به شروع به اجرای مجازات حبس محکوم خواهد بود.

دسته دوم معتقدند بعد از صدور حکم قطعی، در صورت تقاضای محکوم و

۱. ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آن‌که اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان، در فرایند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده موثر است، به دادگاه صادر کننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند».

۲. براساس بند ح ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ با اصلاحات بعدی پیشنهاد تبدیل مجازات حبس به نظام نیمه آزادی و یا آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، موضوع مواد ۵۶، ۵۷ و ۶۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری از جمله وظایف شورای طبقه‌بندی زندان می‌باشد.

۳. نظریه‌های شماره ۷/۱۴۰۰/۱۷۰۵ مورخ ۱۴۰۱/۱/۲۲ و ۷/۱۴۰۰/۵۰۷ مورخ ۱۴۰۰/۵/۶ و ۷/۱۴۰۰/۱۴۰۹ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۳ و شماره ۷/۱۴۰۱/۷۹۱ مورخ ۱۴۰۱/۸/۲۸.

اخذ نظر مثبت واحد مددکاری اجتماعی، بدون معرفی محکوم به زندان، با وجود سایر شرایط قانونی، امکان اعمال ماده ۶۲ وجود دارد. ممکن است پس از صدور حکم قطعی، وضعیت یا شرایط جدیدی حادث شود و محکوم این تقاضا را بعد از صدور حکم قطعی مطرح و درخواست خود را در این خصوص اعلام نماید؛ شرایطی که نسبت به این فرد، قبل از صدور حکم قطعی و در زمان انشاء رأی وجود نداشته است؛ بنابراین با اخذ نظر واحد مددکاری اجتماعی، امکان اعمال این تأسیس وجود دارد؛ ضمن این که اخذ نظر شورای طبق بندی زندان منحصر به حالتی است که محکوم در زندان حضور داشته باشد.

به نظر می‌رسد استدلال دوم به دلیل این که با یکی از کارکردهای مهم کیفر یعنی اصلاح و بازپروری (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳) سازگارتر است<sup>۱</sup> و نیز از پشتوانه نظری نظریه شرم‌سازسازی نیز برخوردار است، صائب به نظر می‌رسد و با هدف مورد قانون‌گذار انطباق بیشتری دارد. معرفی محکوم به زندان برای مدت کوتاه، آثاری جز برچسب‌زنی برای فرد و خانواده او ندارد. برچسب‌زنی فرایندی است که فرد در نقطه پایانی آن جایگاه و هویت مجرم را کسب می‌کند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، در

۱. بحث و پرسش راجع به کارکردهای کیفر به طور کلی و میزان انعکاس آن در سیاست جنایی تقنینی یا حقوق موضوعه، از طرف فلاسفه، حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان به حدود قرن هجدهم بازمی‌گردد. انقلاب فکری قرن هجدهم و تأثیر آن در تلطیف احساسات و عواطف بشری تا حد زیادی به دگرگونی در مبانی و کارکردهای مجازات‌ها کمک کرد. کارکردهای اجتماعی ضمانت اجراها را بر اساس معیارهای مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. نظریه‌های کیفری کلاسیک بین دو کارکرد فایده‌گرا و اخلاقی کیفر تفکیک قائل می‌شدند این نظریه‌ها، ارعاب عام، ارعاب خاص (فردی)، خنثی‌سازی و اصلاح را جزء کارکردهای فایده‌گرا محسوب و کفاره و تاوان را در دایره کارکردهای اخلاقی لحاظ می‌کردند. مطالعات کیفر‌شناختی پساکلاسیک نیز به سهم خود، در بین کارکردهای فایده‌گرای کیفر، بین پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی تفکیک قائل شدند. پیشگیری عمومی ناظر به پیشگیری از ارتکاب جرم مجموعه شهروندان است. این نوع از پیشگیری گاهی از طریق کارکرد آموزشی تربیتی کیفر و گاهی از طریق بازدارندگی ناشی از تهدید مجازات محقق می‌شود. به‌عکس پیشگیری اختصاصی به دنبال پیشگیری از تکرار جرم از سوی افرادی است که قبلاً مرتکب جرم شده‌اند. کارکرد خنثی‌سازی و ارعاب فردی و بااجتماعی شدن در همین دایره قرار می‌گیرند. دسته‌بندی دیگری که کمتر شناخته شده است، عبارت است از تفکیک بین کارکردهای منفی و مثبت ضمانت اجراهای کیفری؛ کارکردهای منفی منحصر در پی دفاع از جامعه و کارکردهای مثبت، به‌عکس تضمین ارتقاء رعایت قانون کیفری به وسیله آموزش همه شهروندان از طریق ثبت و لحاظ کیفر در قانون و بازتربیت متهمان.

۲. فرایند برچسب‌زنی به دو شیوه تحقق می‌یابد: نخست، در نتیجه ارتکاب رفتاری که در قانون منع شده است؛ دوم، در نتیجه اشتباه قضایی یعنی مواردی که نظام عدالت کیفری شخصی را به اشتباه

ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، شرط گذراندن بخشی از حبس، صرفاً در محکومیت‌های درجه دو تا چهار پیش‌بینی شده است و در سایر موارد بدون شروع به اجرای حبس، حتی بعد از صدور حکم قطعی نیز امکان صدور حکم به آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی وجود دارد. اصرار بعضی قضات اجرای احکام مبنی بر این‌که محکوم حتماً باید روانه زندان شود و درخواست خود را از زندان ارائه نماید، یادآور رویه‌ای است که سال‌ها قبل در مورد دادخواست اعسار وجود داشت و برخی محاکم، رسیدگی به این موضوع را منوط به معرفی محکوم به زندان می‌دانستند. بر اساس رای وحدت رویه شماره ۶۶۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور برای رسیدگی به درخواست محکوم قبل از حبس، منع قانونی وجود ندارد. دادگستری استان تهران نیز طی بخشنامه مورخ ۱۴۰۲/۳/۸ بر این نکته تأکید کرد که اعمال ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی منوط به معرفی محکوم به زندان نمی‌باشد.

ناگفته پیداست چنانچه فردی بر اساس حکم دادگاه تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار گرفت، از حقوقی مانند عفو، آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و مرخصی برخوردار می‌شود و در این خصوص اختلاف نظری وجود ندارد؛ زیرا این فرایند صرفاً ناظر به شیوه اجرای حبس می‌باشد. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز طی نظریه شماره ۷/۱۴۰۰/۶۶۷ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۲<sup>۱</sup> بر این موضوع تأکید نموده است. ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰<sup>۲</sup> نیز مؤید این نظر می‌باشد.

از جمله شرایط دیگر جهت اعمال ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران است؛ لذا پرداخت جزای نقدیدر مواردی که جزای نقدی در دادنامه تصریح شده است ضروری نیست و دادگاه نمی‌تواند اعمال

دستگیر، محاکمه و مشمول حکم مجازات قرار می‌دهد. البته چند مرحله‌ای بودن رسیدگی‌های کیفری تا حدی موجب کاهش میزان اشتباهات قضایی است، لیکن علاوه بر بزهکاران واقعی، گاه با عده‌ای که بی‌جهت مجرم و منحرف تلقی شده، یعنی بزهکاران کاذب مواجه هستیم.

۱. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «مطابق ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ رئیس قوه قضاییه «فرد تحت مراقبت الکترونیکی مطابق مقررات از حقوقی «مانند» عفو، آزادی مشروط و مرخصی برخوردار می‌باشد».

۲. ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی: «فرد تحت مراقبت الکترونیکی، مطابق مقررات از حقوقی مانند عفو، آزادی مشروط و مرخصی برخوردار می‌باشد».

این تأسیس را منوط به پرداخت جزای نقدی کند. با توجه به استقلال مفاهیم جزای نقدی از رد مال یا دیه، مراجع قضایی نمی‌توانند با رد درخواست متقاضی به دلیل عدم پرداخت جزای نقدی، دامنه اعمال ماده ۶۲ را محدود کنند. در مواردی که محکومیت به دیه یا رد مال وجود دارد، پرداخت یا برقراری ترتیبات جبران مثل صدور حکم اعسار و تقسیط کفایت می‌کند؛ بنابراین امکان اعمال این نهاد در مورد محکومان به حبس که علاوه بر حبس به جزای نقدی نیز محکوم شده‌اند، بدون پرداخت جزای نقدی نیز وجود دارد.

#### ۴. ضمانت اجرا

ضمانت اجرا معیار کلاسیک قاعده حقوقی و مهم‌ترین رکن آن است. به‌رغم اهمیت این موضوع و حساسیت آن، قانون‌گذار در ماده ۶۲ اشاره‌ای به ضمانت اجرای نقض تکالیف و دستورات آن ننموده است.<sup>۱</sup> این بی‌توجهی به سهم خود موجب سرگردانی دادگاه‌ها و واحدهای اجرای احکام کیفری شده است. بر اساس ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ واحدهای نظارت الکترونیکی، فرد تحت مراقبت را از طریق سامانه به صورت شبانه‌روزی تحت نظارت قرار داده و چنانچه وی بر خلاف مقررات یا تعهدات اخذ شده رفتار نماید، مراتب توسط مأمور ناظر جهت اتخاذ تصمیم مقتضی حسب مورد به شورای انضباطی زندان یا مقام قضایی ذی‌ربط گزارش می‌شود. ماده ۱۵ همین آیین‌نامه نیز مقرر می‌دارد در صورت وجود شرایط اضطراری از قبیل مخاطرات جانی یا حیثیتی که خروج از محدوده مراقبتی ضرورت داشته باشد، فرد تحت مراقبت موظف است در صورت امکان از مرکز کسب تکلیف نماید؛ در غیر این صورت بلافاصله پس از رفع شرایط اضطراری باید مراتب را به مرکز مذکور اعلام نماید. اثبات وضعیت اضطراری و ضرورت خروج فوری، بر عهده مرتکب است و در صورت اثبات، تخلف محسوب نمی‌شود؛ لذا به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت این تصمیم که یک تصمیم قضایی

۱. بر اساس ماده ۱-۴-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه، در صورت عدم رعایت تعهدات، قاضی اجرای مجازات می‌تواند بر اساس شیوه‌های تعیین شده در قانون آیین دادرسی کیفری، موارد مجاز غیبت را محدود کند و یا دستور به سپری کردن باقی‌مانده مدت حبس در زندان دهد. دادگاه همچنین می‌تواند وی را مشمول برخی از تعهدات ماده ۴۴-۱۳۲ و ۴۵-۱۳۲ قرار دهد. گفتنی است در این دو ماده اخیر در مجموع سی و یک تعهد شبیه تعهدات حین تعویق صدور حکم پیش‌بینی شده است.

محسوب می‌شود، در فرض خروج از محدوده یا ارتکاب جرم جدید، پس از صدور حکم قطعی یا حتی پس از صدور کیفرخواست یا تخطی از دستورات دادگاه، لغو تصمیم قبلی و دستور اجرای محکومیت حبس در زندان، مانعی نداشته باشد. بدین ترتیب، چنانچه دادگاه خروج از محدوده مراقبتی را خارج از شمول ماده ۲۵ آیین‌نامه تشخیص دهد یا محکوم حین اجرا شرایط مقرر را از دست بدهد، عدول از تصمیم قبلی منع قانونی ندارد.<sup>۱</sup> گفتنی است با توجه به فقدان متن صریح، برخی از دادگاه‌ها در دادنامه در خصوص ضمانت‌اجریا نقض دستورات، چنین بیان می‌دارند: «چنانچه محکوم بدون مجوز قانونی و به طور غیرضروری از محدوده مکانی مشخص شده خارج گردد و یا از اجرای دستور دادگاه خودداری کند، قاضی اجرا مراتب را جهت اتخاذ تصمیم مناسب و اقدام قانونی به این دادگاه اعلام خواهد نمود» و یا «در صورت عدم تبعیت یا ارتکاب جرم عمدی جدید، موافقت به عمل آمده لغو می‌گردد».

با توجه به سکوت قانون، در حال حاضر در فرض عدول دادگاه از تصمیم قبلی، امکان یا عدم امکان طرح درخواست مجدد از سوی محکوم نیز محل اختلاف می‌باشد.

## ۵. محدوده مکانی

قانون‌گذار در ماده ۶۲ به جای تعیین حد و مرز دقیق قلمرو آمد و شد محکوم، با به‌کار بردن عبارت «دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت قرار دهد»<sup>۲</sup> زمینه را برای اختلاف نظر و تشتت آراء فراهم ساخت. به همین دلیل برخی محاکم، محدوده تردد مجاز را قلمرو کل کشور و بعضاً محدوده چند استان تعیین نموده‌اند؛ با توجه به اختلافات موجود و به منظور ایجاد رویه واحد در صدور آراء و تأمین هدف قانون‌گذار و امکان نظارت صحیح بر عملکرد محکومان، در تاریخ

۱. شایان ذکر است خروج از محدوده مراقبتی، با توجه به تعاریف مذکور در مقررات و آیین‌نامه‌ها در خصوص «زندان» و «بازداشتگاه» مشمول ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نمی‌باشد. بر اساس این ماده، هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد علاوه بر تأمین خسارت وارده، به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

۲. جهت اطلاع در خصوص استفاده از سامانه‌های نظارت الکترونیکی به عنوان قرار تأمین، بنگرید به: پروین، ۱۴۰۱.

۱۴۰۱/۵/۲۹ دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی محکومان تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی توسط رییس قوه قضاییه تصویب و ابلاغ گردید. بر این اساس، محدوده مراقبتی به درجات یک، دو و سه تعیین و حداکثر شعاع تردد مجاز حسب مورد از دویست تا هزار متر از ساختمان محل سکونت تعیین شد.

براساس ماده ۲ این دستورالعمل، تعیین محدوده با در نظر گرفتن و توجه به شرایطی مانند نوع و کیفیت ارتکاب جرم، سوابق آثار زیان‌بار، خسارت‌های وارده به بزه‌دیده و جامعه و در نظر گرفتن شخصیت و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی فرد تحت مراقبت می‌باشد و طبق تبصره این ماده، در صورت تأیید رفتار تحت مراقبت، با درخواست وی امکان توسعه محدوده مراقبتی حداکثر تا هزار متر وجود دارد. ماده ۳ دستورالعمل برای محکومان به حبس درجه دو و سه و چهار پس از گذراندن یک‌چهارم، محدودیت ویژه‌ای پیش‌بینی و حداکثر محدوده مراقبتی را تا دویست متر در نظر گرفته است. این دستورالعمل در راستای ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی از سوی ریاست قوه قضاییه ابلاغ شده است. البته این دستورالعمل، اگر چه به جهت تعیین ضابطه راهگشا می‌باشد، لیکن به دلیل این‌که دامنه توسل به این سازکار را محدود نموده و تا حدودی مخالف اصل فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری می‌باشد و در قانون نیز پیش‌بینی نشده، با انتقادهایی مواجه شده است که مناسب است قانون‌گذار با ورود به این موضوع، با رفع ایرادهای وارد بر محدوده مکانی، زمینه استقبال بیشتر قضات از این نهاد را فراهم کند.

### ۶. نقش و جایگاه دادستان یا قاضی اجرای احکام

قاضی دادگاه در صورت وجود شرایط قانونی، حین صدور حکم می‌تواند این تأسیس ارفاقی را در نظر گیرد و دادستان نیز به عنوان رئیس اجرای احکام باید بر اساس مفاد دادنامه بر فرایند اجرای این تصمیم نظارت کند، اما پس از صدور حکم قطعی، براساس ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ارائه پیشنهاد از سوی شورای طبقه‌بندی زندان که دادستان رئیس این شورا است، ضروری است. حال سؤال این است که در فرض تقاضای محکوم بعد از صدور حکم قطعی حبس، آیا دادستان یا قاضی اجرای احکام موظف به ارسال این تقاضا به دادگاه است. در این خصوص دو نظر وجود دارد. مطابق نظر نخست، بعد از صدور حکم قطعی، دادستان یا قاضی

اجرای احکام مکلف به بررسی شرایط قانونی می‌باشند و در صورت وجود شرایط قانونی این پیشنهاد را به دادگاه ارسال می‌نمایند و در فرض فقدان شرایط مانند دارا بودن محکومیت مؤثر کیفری، موجبی جهت ارسال به دادگاه وجود ندارد و ارسال پرونده به دادگاه در این فرض کار عبث و بیهوده محسوب می‌شود. این نظر موجب می‌شود درخواست‌های متعدد استفاده از پابند، از فیلتر تصمیمات سخت‌گیرانه اجرای احکام عبور نکنند؛ تصمیماتی که نه توجیه می‌شود، نه کتبا به متهم ابلاغ می‌گردد و نه قابل اعتراض است.<sup>۱</sup> این تصمیم به دلیل ترافعی نبودن شیوه اتخاذ آن، می‌تواند حس ضدیت فرد با جامعه را تقویت و بازگشت قانونمند وی به جامعه را دشوار کند. استدلال مخالف و نظر دوم این است که تشخیص وجود یا عدم وجود و تحقق یا عدم تحقق شرایط برای برخورداری از این تأسیس با دادگاه است و دادستان یا قاضی اجرای احکام باید تقاضا را به دادگاه ارسال کند و حق مخالفت با آن را ندارد. همچنین دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند نظریه خود مبنی بر عدم وجود شرایط را به دادگاه اعلام نماید. بدین ترتیب، مقامات دادسرا در صورت وجود شرایط قانونی، حق اعمال محدودیت ناروا را ندارند. همچنین با توجه به سکوت قانون، به نظر می‌رسد حتی در فرض مخالفت دادگاه برای استفاده محکوم از این نهاد، امکان درخواست مجدد وجود دارد. اضافه می‌شود در موری که دادگاه هم عرض، اعاده دادرسی را وارد ندانسته، با توجه به این که معترض حکم قبلی نشده و رأی قبلی به قوت خود باقی است، اظهار نظر در خصوص ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم محکومیت است؛ نه شعب هم عرض.

۱. به عنوان نمونه، در خصوص قاچاق ارز که فرد هم به پنج سال حبس و هم به جزای نقدی درجه یک محکوم شده است و حتی بیش از نیمی از مدت حبس را سپری و تقاضای پابند کرده است، قاضی اجرای احکام با این توجیه که قاچاق ارز جزء جرائم اقتصادی است و به لحاظ وجود مجازات جزای نقدی درجه یک از شمول مقررات نگهداری تحت سامانه‌های الکترونیک موضوع ماده ۶۲ خارج است، از ارسال درخواست وی به دادگاه امتناع می‌کند؛ این در حالی است که رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مورد مجازات جرائمی که طبق قانون جزای آن نسبی است با توجه به حکم مقرر در تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، تعزیر درجه هفت محسوب نموده است. همچنین جرائم اقتصادی خارج از شمول ماده ۶۲ نیستند؛ حال محکوم دربند چگونه این استدلال قاضی اجرای احکام را پاسخ دهد؟

## ۷. امکان اعمال این تأسیس در مورد حبس بدل از جزای نقدی

بر اساس ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند. بدین ترتیب قانون‌گذار بر خلاف سیاست‌های کلان حبس‌زدایی، به طور رسمی حبس بدل از جزای نقدی که خود ابزاری ناخواسته در خدمت افزایش جمعیت کیفری زندان است را به موجب ماده فوق و در بعضی قوانین خاص پذیرفته است؛ بدون این‌که در مورد ماهیت آن شفاف‌سازی کند که آیا مجازات است و یا ابزار اجبار؟ آیا محکوم پس از سپری کردن مدتی از بازداشت بدل، می‌تواند درخواست آزادی مشروط، تعلیق و یا قرار گرفتن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را درخواست کند؟ همین عدم شفافیت موجب شده است در خصوص امکان استفاده از پابند الکترونیک نسبت به این نوع از حبس اختلاف نظر ایجاد شود. دسته‌ای بر این اعتقادند که با توجه صراحت ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، این تأسیس مختص محکومان به حبس است و محکومان به جزای نقدی را شامل نمی‌شود.<sup>۱</sup> استدلال دسته دوم این است که با توجه به امکان اعمال این تأسیس در مورد محکومان به حبس، به طریق اولی این سازکار برای محکومان به جزای نقدی که به علت عجز از پرداخت در حبس باشند نیز قابل اجراست و پذیرش این امر با هدف قانون‌گذار در بخش کلیات و قواعد عمومی تعیین حبس از جمله اصل حبس حداقل<sup>۲</sup> و منطبق حقوقی هم‌خوانی

۱. نظریه شماره ۷/۱۴۰۱/۲۱۴ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «با عنایت به صراحت حکم موضوع ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بند ۲ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ رئیس قوه قضاییه، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی موضوع ماده ۶۲ قانون موصوف، مختص محکومان به حبس است و محکومان به جزای نقدی موضوع ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری از قلمرو شمول ماده مذکور (ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی) خروج موضوعی دارند». نظریه شماره ۷/۱۴۰۱/۱۱۰۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز موید این امر است.

۲. بر اساس تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره علاوه بر موجب مجازات انتظامی درجه چهار، بر اساس رای وحدت رویه شماره ۸۳۴ مورخ ۱۴۰۲/۵/۲۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور از جهات تجویز اعاده دادرسی

بیشتری دارد. علاوه بر این، زمانی که این تأسیس برای محکوم به حبس و جزای نقدی به صورت توأمان قابل اعمال است، به طریق اولی برای فردی که صرفاً به علت عجز از پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد نیز قابلیت اعمال دارد. البته در مقام اعمال باید به حداکثر مدت حبس بدل از جزای نقدی توجه نمود؛ زیرا حداکثر حبس بدل از جزای نقدی، در مورد مرتکبین قاچاق کالا و ارز پانزده سال و در مورد جرائم مواد مخدر ده سال و در سایر جرائم حداکثر سه سال خواهد بود؛ لذا با لحاظ این حداکثر محکومان مورد اشاره در جرائم قاچاق کالا و ارز و مواد مخدر به مانند محکومان به حبس تعزیری درجه دو تا چهار پس از گذراندن یک چهارم مدت حبس بدل، می‌توانند این سازکار را تقاضا کنند و مشمولین ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی بلافاصله امکان استفاده از این تأسیس را دارند.

#### ۸. پابند الکترونیک در مورد بدهکاران مالی

به طور کلی در زندان پنج گونه اشخاص نگهداری می‌شوند: متهمان، محکومان به حبس، محکومان به مجازات غیر سالب آزادی که در انتظار اجرای حکم محکومیت خود می‌باشند، محکومان به حبس بدل از جزای نقدی و محکومان مالی. محکومان جرائم مالی، بدهکارانی هستند که بدون قصد و نیت اقدام مجرمانه یا به دلیل عجز از پرداخت دیه یا ناتوانی در رد مال یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا به دلیل ناتوانی از اجرای تعهدات مالی، بر خلاف مبانی شرعی و تعهدات بین‌المللی مبنی بر منع بازداشت بدهکاران مالی معسر برای مدت نامعلومی بخش قابل توجهی از حیات مفید خود را در زندان سپری می‌کنند. ناتوانی از اجرای تعهد که بعضاً خود در آن نقشی نداشته و به تعبیر جرم‌شناسی آسیب اجتماعی‌شناسی (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۴۰۲: ۱۹) قربانی کوتاهی مدیران، ضعف آنان در پیش‌بینی و مدیریت بحران‌های

می‌باشد.

۱. قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات بعدی، به صراحت حداکثر حبس بدل از جزای نقدی را ده سال تعیین کرده است، لیکن تبصره ماده ۸ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضاییه مقرر می‌دارد حکم موضوع مواد ۲۷ و ۲۹ قانون مجازات اسلامی در مورد محکومان به ارتکاب کلیه جرائم از جمله جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان به استثنای محکومان موضوع ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جاری می‌باشد.

اقتصادی، تحریم‌ها، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و غیره می‌باشند. در این رویکرد، علاوه بر جرم، نوع و کیفیت مدیریت‌ها و تصمیم‌های دولت‌ها، بنگاه‌ها و مؤسسه‌های اقتصادی، مالی، خدماتی و مانند آن نیز باید بررسی شود، ولی از آن‌جا که این اقدامات جرم‌انگاری نشده‌اند و یا اگر جرم‌انگاری شده‌اند، کمتر تحت تعقیب، تحقیقات، رسیدگی، محاکمه و مجازات قرار می‌گیرند، در مطالعات جرم‌شناسان وارد نشده‌اند. گفتنی است ایران به لحاظ عضویت در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)<sup>۱</sup> به این قاعده ملتزم شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۸) که هیچ‌کس را نمی‌توان به علت ناتوانی در ایفای تعهدات قراردادی خود زندانی نمود. این قاعده اساسی که در ماده ۱۱ میثاق درج شده است، حقی مطلق و غیر قابل تخطی قلمداد می‌شود. با این حال، ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد «اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود». این ماده در تعارض آشکار با مواد ۲ و ۱۱ میثاق می‌باشد. بدین ترتیب طلبکار با اعمال حق خویش، یعنی به زندان انداختن محکوم مالی، هزینه‌های زیادی بر جامعه بار می‌کند. توضیح این‌که، زندان و زندانبانی هزینه و بار مالی دارد و با بازداشت بدهکار مالی، هزینه‌های جرم‌شناسانه، بهداشتی، اخلاقی و سیاسی نیز بر دولت‌ها، بزه‌کاران و خانواده‌های آنان تحمیل می‌شود؛ زیرا امروزه در روابط بین‌الملل، پای‌بندی به موازین علمی و انسانی در نهادهای مختلف عدالت کیفری، معیار قضاوت درباره کارنامه آن کشور در باب زمام‌داری است. این پیامدها در پیدایش گفتمان زندانبانی در سطح قوه قضاییه بی‌تاثیر نبوده است. در همین راستا رئیس قوه قضاییه از احتمال مجازات جایگزین حبس و جزای نقدی برای بعضی محکومان مالی سخن گفتند؛ زیرا حبس به لحاظ طرد و کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و آشنا ساختن وی با فرهنگ زندان و نیز وجود مشکلات عدیده اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در آن محیط، همیشه به عنوان آخرین راه حل مطرح بوده است.

با این وجود ماده ۶۲ قانون مجازات در خصوص قرار دادن تحت نظارت

1. The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR).

سامانه های الکترونیکی نسبت به این دسته سکوت اختیار کرده است؛ در حالی که قرار دادن آن‌ها تحت نظارت این سامانه‌ها، یک تدبیر عدالت‌ترمیمی است که اجازه می‌دهد این دسته با استفاده از آن بتوانند زمینه و لوازم پرداخت محکومیت‌های خود را با جلب نظر شاکی یا ورثه وی یا کاهش دیون خود و یا جلب کمک‌های مردمی، زمینه رفع خصومت و تنش را فراهم کنند.<sup>۱</sup>

بدین سان، در مورد دسته اخیر، زندان به وسیله‌ای برای اجبار به پرداخت بدهی تبدیل شده است؛ این در حالی است که به جای توسل به زندان، باید اخلاق عمومی جامعه تقویت شود تا عدم پرداخت بدهی، در سطح جامعه ضمانت اجراهای اجتماعی اخلاقی قوی داشته باشد و این امر برای خودداری‌کننده از پرداخت بدهی، امری ناپسند تلقی شود و برای او آثار اجتماعی نامطلوب به بار آورد. بدین ترتیب اگر چه قانون برخی از مشکلات جامعه را حل می‌کند، ولی باید بیش از هر چیز، اخلاق‌سازی اجتماعی را در اولویت قرار داد و درست‌کاری مالی را به عنوان یک فضیلت معرفی نمود. ناگفته پیداست نظام عدالت کیفری نمی‌تواند کوتاهی‌های اجتماعی در انجام رسالت خود را جبران کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۸).

۱. بر اساس ماده ۴ دستورالعمل نظارت بر زندانیان دارای محکومیت مالی، در مواردی که محکوم به تقسیط شده و یا در اجرای تبصره ۱ ماده ۳ قانون مذکور برای محکوم قرار کفالت یا وثیقه صادر گردید، لکن میزان اقساط خارج از توان مالی وی بوده یا قرار تامین نامتناسب صادر شده باشد، روسای کل دادگستری‌ها ضمن نظارت و هماهنگی لازم با قضات مربوط ترتیبی اتخاذ نمایند تا با اعمال اقدامات متناسب از بازداشت محکومان مذکور پیشگیری شود.

## برآمد

۱- رفع ایرادها و تعارضات موجود و تعیین دقیق محدوده و موازین اعمال نهاد نوپای نگهداری تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در نظام عدالت کیفری ایران ضروری است. با در نظر داشتن تجربه‌های مشابه می‌توان پیش‌بینی کرد که سپردن امر تفسیر و رویه‌سازی به دست آیین‌نامه‌های اداری و رویه‌های قضایی، موجب نقض غرض قانونگذار، خروج این نهاد تازه تاسیس از مسیر رشد و تبلور، مهجور شدن تدریجی آن و حتی نقض حقوق شهروندی آحاد تابعان نظام عدالت کیفری خواهد شد.

۲- با توجه به ایرادات ماهوی و شکلی به ویژه در خصوص تعیین محدوده و تفاسیر مختلف نسبت به موقعیت آن در سیاست جنایی قضایی، پیشنهاد می‌شود ماده قانونی زیر در مقام اصلاح و جایگزینی ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد:

«در جرائم تعزیری درجه دو تا چهار، پس از گذراندن یک‌چهارم مدت حبس و پس از موافقت شورای طبقه‌بندی زندان و قاضی اجرای احکام و در درجات پنج تا هفت بدون رعایت حد نصاب با موافقت قاضی اجرای احکام، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص، تحت نظارت سامانه (سیستم)های الکترونیکی قرار دهد. در خصوص تمام جرائم مذکور، اعمال این نهاد منوط به اخذ نظر موافق واحد مددکاری اجتماعی است.

تبصره ۱- در جرائم تعزیری درجه پنج تا هفت در صورت شروع به اجرای مجازات، موافقت شورای طبقه‌بندی زندان نیز ضروری است.

تبصره ۲- در صورت مخالفت قاضی اجرای احکام یا واحد مددکاری اجتماعی، محکوم ظرف پنج روز می‌تواند به این تصمیم اعتراض کند. رسیدگی به اعتراض در صلاحیت دادگاه صادر کننده رای قطعی است.

تبصره ۳- محکومان جرائم غیر عمد، محکومان مالی و همچنین محکومانی که به علت عجز از پرداخت جزای نقدی در مؤسسه به سر می‌برند نیز بدون رعایت حد نصاب و با لحاظ سایر شرایط فوق می‌توانند از این تأسیس استفاده نمایند.

تبصره ۴- در صورت مخالفت دادگاه با اعمال این نهاد ارفاقی، محکوم حداکثر برای دو مرتبه دیگر می‌تواند اعمال این نهاد را تقاضا نماید.

تبصره ۵- این تأسیس ناظر به شیوه اجرای حبس است و محکومان به آن می‌توانند از مرخصی آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو مقام رهبری استفاده نمایند؛ لیکن محکوم نمی‌تواند هم‌زمان با این نهاد، از حالت اشتغال یا حرفه‌آموزی برخوردار شود.

تبصره ۶- در راستای امکان نظارت صحیح و تأمین اهداف اجرای این نهاد، محدوده‌های مکانی و شعاع تردد مجاز از ساختمان محل سکونت، توسط قاضی اجرای احکام تعیین می‌شود. در صورت خروج محکوم از محدوده بدون وجود عذر موجه، دادگاه به پیشنهاد قاضی اجرا از تصمیم خود عدول خواهد نمود و اعطای این نهاد مجدد امکان‌پذیر نخواهد بود.

## فهرست منابع

### الف. فارسی

- \* ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، «بازپروری عادلانه مجرمان»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳.
- \* پروین، حبیب (۱۴۰۱)، نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، تهران: میزان.
- \* حکم‌اللهی، امیر (۱۳۹۲)، تحولات اجرای اقدامات سالب آزادی در پرتو فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- \* بولک، برنار (۱۳۸۷)، کیفرشناسی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، ویراست پنجم، تهران: مجد.
- \* نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، «مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»، در: راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان (مجموعه مقالات)، به کوشش: مائده میرشمس شهشهانی، چاپ نخست، تهران: میزان.
- \* نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۴۰۱)، «حقوق کیفری آرایی سیاست جنایی در پرتو راهبرد سیاست عمومی»، در: حقوق کیفری پویا (مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی)، به کوشش: نسرین مهرا و امیرحسن نیازپور، چاپ نخست، تهران: میزان.
- \* نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۸)، «سیاست جنایی»، در: دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش: امیرحسن نیازپور، چاپ دوم، تهران: میزان.
- \* نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیک، حمید (۱۴۰۲)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ هفتم، تهران: گنج دانش.

### ب. فرانسسه

- \* Amicelle A, Becker H.S, Bigo D, Bonelli L, Brion F, Foucault M, Gordon C, Gouriou F, Lemaire E, Proteau L, Razac O, Salle G, Voruz V, (2015), **Critique de la raison criminologique**, harmattan.

- \* Bouloc, Bernard, **Placement sous surveillance électronique**, RSC 1998 p.587.
- \* Lévy, René, **Placement sous surveillance électronique : mieux évaluer avant d'aller plus loin** AJ Pénal, 2005. 151.
- \* Couvrat, Pierre, **Une première approche de la loi du 19 décembre 1997 relative au placement sous surveillance électronique**, RSC 1998. 374.
- \* Seuvic, Jean-François, **Placement sous surveillance électronique pour l'exécution d'une peine privative de liberté**, RSC 1998. 372.
- \* Olivia Nederlandt, **Enquête auprès des tribunaux de l'application des peines en Belgique : que devient le pouvoir judiciaire, et le droit qu'il protège, lorsqu'il franchit la porte des prisons?** in Anne Simon, Jean-Manuel Larralde, (2021) Les frontières de la privation de liberté, mare & martin.